

منهج سلف صالح

و نیاز امت به آن

شیخ صالح فوزان

ترجمه ابوعواش معلمی

ارائه شده در سایت منهج



این کتابچه ترجمه ی یکی از سخنرانی های شیخ
صالح فوزان با همین عنوان به تاریخ ۱۴۳۵/۱/۳
در یکی از مساجد ریاض می باشد.

منهج سلف صالح و نیاز امت به آن

الحمد لله رب العالمين و صلى الله و سلم على نبينا محمد و على آله و أصحابه أجمعين
اما بعد:

موضوع سخنرانی موضوعی بسیار مهم است و همانگونه که قبلا اعلام شده و شنیده
اید عنوان آن: «منهج سلف صالح و نیاز امت به آن» می باشد.

منظور از سلف صالح: قرن اول این امت است که صحابه ی پیامبر صلی الله علیه و سلم
- از مهاجرین و انصار - می باشند.

الله جل و علا می فرماید: { وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ
بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ } {و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار ، و کسانی که به نیکی
از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت ، و آنها (نیز) از او خشنود شدند ، و
برای آنها باغهایی (از بهشت) آماده کرده است ، که نهرها از زیر (درختان) آن جاری
است ، جاودانه در آن خواهند ماند ، این کامیابی بزرگ است}¹.

و می فرماید: { لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ
اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ } { برای فقرای مهاجری است که
از خانه و اموالشان بیرون رانده شدند، از الله فضل و خشنودی می طلبند، و الله و
پیامبرش را یاری می کنند، آنها راستگویانند}²، این در مورد مهاجرین می باشد، سپس در
مورد انصار می فرماید: { وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ
وَلَا يَجِدُونَ فِي ضُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ
يُوَفِّقْ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ } { و (نیز برای) کسانی که پیش از آنان در دیار خود
(مدینه دار الاسلام) جای گرفتند و (نیز) ایمان آورده بودند، کسانی را که به سويشان
هجرت کنند دوست می دارند، و در دل های خود از آنچه (به مهاجران) داده شده
احساس حسد (و نیازی) نمی کنند، و آنها را بر خود مقدم می دارند، هرچند خودشان
نیازمند باشند، و کسانی که از بخل (و حرص) نفس خویش باز داشته شده اند، پس آنها
راستگارانند}³، سپس در مورد کسانی که بعد از آنها می آیند می فرماید: { وَالَّذِينَ جَاءُوا

¹ [سوره توبه: ۱۰۰]

² [سوره حشر: ۸]

³ [سوره حشر: ۹]

مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ} و (نیز) کسانی که بعد از آنها (بعد از مهاجران و انصار) آمدند، می‌گویند: «پروردگارا! ما را و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان کینه‌ای نسبت به کسانی که ایمان آورده اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی»^۴.

سپس کسانی که پس از آنها آمده و پیش آنها زانوی تلمذ زدند از تابعین و تبع تابعین و افراد بعد از آنها در قرون مفضلة (جزو سلف صالح می‌باشند) که پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد آنها فرموده است: {بهترین شما در قرن من است سپس کسانی که پس از آنها می‌آیند و سپس کسانی که بعد از آنها می‌آیند}^۵. راوی^۶ می‌گوید: نمی‌دانم پس از قرن خودش دو قرن را ذکر نمود یا سه قرن را.

دوره ی آنها بر دوره های بعدی برتری دارد و «دوران قرون مفضلة» نامیده می‌شود. این ها سلف (گذشتگان) این امت هستند که پیامبر صلی الله علیه و سلم با کلام خویش آنها را تمجید کرده است: {بهترین شما در قرن من است سپس کسانی که پس از آنها می‌آیند و سپس کسانی که بعد از آنها می‌آیند}، بنابراین آنها الگوی این امت می‌باشند.

و منهج آنها: مسیری است که در عقیده و معاملات و اخلاق و همه ی حالاتشان بر آن می‌رفتند، و این منهج برگرفته از کتاب و سنت می‌باشد چون آنها به زمانه ی پیامبر صلی الله علیه و سلم و زمان نزول قرآن نزدیک بوده اند و دین را از پیامبر صلی الله علیه و سلم گرفته اند، پس قرن آنها بهترین قرون بوده و منهج آنها بهترین راه و روش می‌باشد.

به همین دلیل مسلمانان برای شناخت منهج آنها تلاش می‌کنند تا آن را بگیرند، چون رفتن بر منهج آنها جز با شناخت و یادگیری و عمل نمودن به آن ممکن نیست. به همین دلیل الله جل و علا می‌فرماید: {وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ} و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به احسان از آنها پیروی کردند^۷ به احسان یعنی با نیکی و شایستگی، و پیروی نیکو از آنها

^۴ [سوره حشر: ۱۰]

^۵ {حَیْزُكُمْ قَرْبَى ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ} به روایت صحیح بخاری و مسلم و جامع ترمذی، و سنن ابن ماجه و مسند احمد و سنن الکبری نسائی.

^۶ راوی روایت عمران بن حصین است که در روایت بخاری پس از ذکر روایت می‌گوید: {لَا أَدْرِي أَذْكَرُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَحْدُ قَرْبَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةً}

^۷ [سوره توبه: ۱۰۰]

جز با یادگیری مذهب و منهج و شیوه ای که بر آن بوده اند ممکن نیست، اما انتساب به سلف و سلفیت به تنهایی و بدون شناخت آنها و منهج شان فایده ای نداشته بلکه ضرر نیز دارد، پس باید منهج سلف صالح را شناخت.

به همین دلیل این امت منهج سلف صالح را مدارس کرده و آن را نسل به نسل منتقل می کردند و این منهج در مساجد، مدارس، آموزشگاه ها، مکتب ها و دانشگاه ها تدریس می شد. پس این منهج سلف صالح است و این راه شناخت آن است که ما به این طریق منهج پاک و بی آلایش سلف صالح را که برگرفته از قرآن و سنت پیامبر می باشد یاد می گیریم.

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده است که در این امت اختلاف زیادی به وجود خواهد آمد، و این خبر در کلام آن جناب صلی الله علیه وسلم آمده است که: { **یهود هفتاد و یک فرقه شدند و نصاری هفتاد و دو فرقه و این امت هفتاد و سه فرقه خواهد شد که همه ی آنها در آتش هستند به جز یک فرقه** }، گفته شد: آنها چه کسانی هستند ای رسول الله!، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: { **کسانی که بر شیوه ای باشند که امروز من و اصحابم بر آن هستیم** }.^۸

این منهج سلف صالح می باشد: شیوه ای که پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش و کسانی که به نیکی از آنها پیروی نمودند بر آن بوده اند. به همین دلیل نیاز به شناخت منهج سلف صالح برای چنگ زدن به آن افزایش می یابد، چون تنها راه نجات می باشد { **همه در آتش هستند به جز یک فرقه** } این یک فرقه همان فرقه ی نجات یافته است که آنها اهل سنت و جماعت می باشند.

{ **به جز یک فرقه** } و آن یک فرقه همان فرقه ای است که در زمان اختلاف مردم و افزایش مذاهب، شیوه ها، فرقه ها و احزاب، این فرقه تنها گروهی است که بر منهج سلف صالح می باشد و به آن چنگ می زند و بر آن صبر می کند تا زمانی که پروردگارش سبحانه و تعالی را ملاقات کند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در روزهای پایانی زندگانی خود نصیحتی رسا به اصحابش نمود که آنها را متاثر کرده و چشمهایشان را گریان نمود. گفتند: ای پیامبر انکار این

^۸ { (افْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ فِرْقَةً ، وَافْتَرَقَتِ النَّصَارَى عَلَى إِحْدَى ، أَوْ اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً ، وَتَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً) (كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا مِلَّةً وَاحِدَةً) ، فَقِيلَ لَهُ : مَا الْوَاحِدَةُ ؟ قَالَ : { مَا أَنَا عَلَيْهِ الْيَوْمَ وَأَصْحَابِي } }

ابتدای حدیث تا "سبعین فرقه" از مسند ابی یعلی نقل شده و ادامه ی آن از مستدرک حاکم است. این روایت را با الفاظی مشابه ابی داود در سنن، ابن ماجه در سنن، نسائی در سنن، احمد در مسند، ابن حبان در صحیح خود، حاکم در مستدرک، دارمی در مسند روایت کرده اند و ترمذی، حاکم، ذهبی، بیهقی، شاطبی، شیخ الاسلام ابن تیمیه، ابن کثیر، عراقی، مقبلی، البانی و مقبل و ادعی آن را صحیح یا حسن دانسته اند.

نصیحت وداع است، ما را وصیتی کن. آن جناب صلی الله علیه و سلم فرمودند: { شما را به تقوای الهی و حرف شنوی و اطاعت توصیه می کنم } حرف شنوی و اطاعت از چه کسی؟ از والیان امور مسلمین { حرف شنوی و اطاعت، اگر چه غلامی بر شما حکومت کند، هر کسی از شما زنده باشد اختلاف زیادی خواهد دید، بر شما باد به سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده بعد از من، به آن چنگ بزنید و آن را با دندان بگیرید و شما را توصیه می کنم به دوری از نوآوری در دین همانا هر نوآوری بدعت است و هر بدعت گمراهی است و هر گمراهی در آتش است }^۹.

این وصیت پیامبر صلی الله علیه و سلم برای امتش بود که آنها را توصیه نمود بر منهج سلف صالح بروند چون تنها راه نجات می باشد.

و این موضوع در کلام الله جل و علا آمده است: { وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ } { و این راه مستقیم من است، پس از آن پیروی کنید و از راههای (پراکنده) پیروی نکنید، که شما را از راه خدا دور می کند، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش نموده است، شاید پرهیزگار شوید }^{۱۰}، از آتش و از گمراهی پرهیزید و با گروه های گمراه مخالفت کنید و بر منهج پاک بروید تا با پیامبر صلی الله علیه و سلم و اصحاب و پیروانش ملحق شوید.

و هر کسی به این شیوه چنگ بزند -خصوصاً در آخرالزمان- از سوی مردم و مخالفان با رنج و سرزنش و تهدید مواجه خواهد شد و نیاز به صبر دارد، و از سوی گروه های گمراه و مناهج منحرف با وسوسه، تهدید، ترغیب و ترساندن مواجه خواهد شد تا از این مسیر رویگردان شود، پس نیاز به صبر دارد. به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: { اسلام غریب شروع شد و دوباره مانند شروع غریب خواهد شد خوش به حال غرباء }^{۱۱} گفتند: غربا چه کسانی هستند ای رسول الله؟ فرمودند: { کسانی که

^۹ { أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسَيَرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّةِ رَسُولِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِّينَ (مَنْ بَعْدِي) تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَصُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ ، وَإِنَّا كُمْ وَمُخَدَّاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُخَدَّئَةٍ بِدْعَةٍ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ } { وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ } این بخش از سخنان شیخ از دو روایت تشکیل شده است که با دو گروه از هم جدا شده اند، اما روایت اول: بخش نخست روایت تا لفظ المهدیین از سنن الکبری بی‌هیچ است، لفظ داخل پراکنش در روایتی از مستدرک حاکم آمده و ادامه ی حدیث لفظ سنن ابی داود است و اما روایت دوم که "کل ضلالة..." می باشد در روایات صحیح دیگر آمده و مربوط به این روایت نمی باشد، چنان که شیخ البانی در نوار شماره ۳۹۰ از سلسله الهدی و النور به آن اشاره کرده است. اما روایت اول را ابوداود در سنن، ترمذی در جامع، ابن ماجه در سنن، امام احمد در مسند، ابن حبان در صحیح آورده اند و ترمذی، ابونعیم، ابن منذر، بزار، بغوی، ابن تیمیه، البانی و دیگران آن را صحیح دانسته اند.

اما روایت دوم که بخشی از روایتی بزرگتر می باشد در سنن نسائی آمده و البانی آن را صحیح دانسته است.

^{۱۰} [سوره انعام: ۱۵۳]

^{۱۱} { إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ } تا این بخش از روایت در صحیح مسلم آمده است.

هنگامی مردم دچار فساد شدند به اصلاح می پردازند^{۱۲} و در روایتی دیگر آمده است: { کسانی که آنچه مردم به فساد کشانده اند اصلاح می کنند }^{۱۳}. از گمراهی دنیا و آتش آخرت در امان نمی ماند مگر کسی که این راه را برگزیند: **منهج سلف صالح**.

و آنها همان کسانی هستند که الله عز و جل درباره ی آنها می فرماید: { وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا * ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا } و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند (روز قیامت) همنشین کسانی خواهد بود که خداوند بر آنان انعام نموده است، از پیامبران، و صدیقان و شهدا و صالحان، و اینان چه نیکو رفیقانی هستند * این فضل و بخشایش از جانب خداست، و کافی است که او دانا است^{۱۴}.

و به همین دلیل الله عز و جل خواندن سوره ی فاتحه را در هر رکعت از نمازهای فرض یا نفل بر ما واجب قرار داده است و در پایان سوره این دعای بزرگ است: { **اهدنا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** } { ما را به راه راست هدایت کن }^{۱۵} «راه راست»؛ یعنی راه های انحرافی و فریبنده نیز وجود دارد و تو از الله عز و جل می خواهی که تو را از این راه ها دور نگاه دارد و تو را به راه اصلی یعنی راه راست هدایت کند و تو را بر آن ثابت قدم بدارد.

این دعا به دلیل اهمیتش در هر رکعت خوانده می شود. در معنای آن بیندیش { راه مستقیم }، چه کسانی بر این راه مستقیم می روند؟، کسانی که الله تعالی به آنها نعمت داده است { **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ** } { راه کسانی که بر آنان نعمت دادی }^{۱۶} کسانی که الله عز و جل به آنها نعمت داده چه کسانی هستند؟ { **مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا** } { از پیامبران، و صدیقان و شهدا و صالحان، و اینان چه نیکو رفیقانی هستند } و هنگامی که از الله عز و جل مسئلت کردی که تو را به این راه هدایت کند، همزمان از الله عز و جل درخواست می کنی که تو را از راه های گمراهی و انحرافی دور نگاه دارد { **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ** } { راه کسانی که بر آنان نعمت دادی؛ نه خشم گرفتگان بر آنها }

^{۱۲} { **الَّذِينَ يُضْلِحُونَ** إِذَا فَسَدَ النَّاسُ } به روایت احمد و البانی آن را صحیح دانسته است.

^{۱۳} { **الَّذِينَ يُضْلِحُونَ** مَا أَفْسَدَ النَّاسُ } به روایت ترمذی، و ترمذی آن را حسن صحیح دانسته اما البانی گفته ضعیف جدا.

^{۱۴} [سوره نساء ۶۹-۷۰]

^{۱۵} [سوره فاتحه: ۶]

^{۱۶} [سوره فاتحه: ۷]

{غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ} {نه خشم گرفتگان بر آنها} کسانی که الله عز و جل بر آنها خشم گرفت که یهودیان هستند، همان کسانی که حق را دانستند ولی به آن عمل نکردند. و هر کسی از این امت بر شیوه ی یهود برود شامل این آیه می شود، هر کسی که حق را شناخت و به آن عمل نکرد بر راه و شیوه ی یهود است، راه کسانی که الله عز و جل بر آنها خشم نمود چون وی حق را شناخته و به آن عمل نکرده است، علم را گرفته و عمل نکرده و هر عالمی که به علم خود عمل نمی کند از کسانی است که الله بر آنها خشم گرفته است.

{وَلَا الصَّالِينَ} {و نه گمراهان} این گروه کسانی هستند که الله عز و جل را با جهل و گمراهی عبادت می کنند، الله را عبادت می کنند و به الله تقرب می جویند، اما بر راهی غیر صحیح و بر منهجی نادرست، بدون دلیل از کتاب و سنت، بلکه با بدعت {و هر بدعتی گمراهی است} چنانکه نصاری اینگونه بودند و هر کس بر شیوه ی آنها برود که الله عز و جل را بر راه غیر صحیح و منهج نادرست عبادت کند گمراه است، راه راست را گم کرده و عملش باطل است.

این دعایی جامع است که در هر رکعتی از نمازهایمان آن را تکرار می کنیم، پس باید در معنای آن تفکر کنیم و با حضور قلب و فهم معنایش این دعا را بخوانیم تا مورد قبول قرار بگیرد. بعد از فاتحه گفته می شود آمین و معنای آمین این است که: یا الله قبول کن. این دعایی بزرگ است برای کسی که در این دعا تامل کند.

و همانطور که ذکر کردیم هر کس بر راه کسانی که نعمت داده شده اند برود دچار آزمایش و سختی می شود و تحقیر شده و او را گمراه می خوانند و تهدید می شود؛ و نیاز به صبر دارد. به همین دلیل در احادیث آمده است کسی که در آخر الزمان به دینش چنگ زده {مانند کسی است که پاره آتش را در مشتش گرفته است}^{۱۷}، چون از سوی مردم آزار و اذیت و بدی می بیند و در مقابل این بدی ها نیاز به صبر دارد {مانند کسی که پاره آتش را در مشت خود گرفته است}. و به قول معروف این راه با فرش قرمز پوشیده نشده، بلکه در این راه مشقت و آزار و اذیت از سوی مردم وجود دارد و لازم است در این راه صبر کنی و بر آن ثابت قدم بمانی تا زمانی که الله عز و جل را بر همین طریق ملاقات کنی و به این ترتیب در دنیا از گمراهی نجات پیدا می کنی و در آخرت از آتش نجات پیدا می کنی، هیچ راهی جز این راه نیست و هیچ نجاتی جز با پیش گرفتن این مسیر وجود ندارد.

^{۱۷} {يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ فِيهِمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ} {زمانی می آید که صبر مردم بر دینشان مانند کسی است که پاره آتش را در مشتش گرفته است}، به روایت ترمذی و البانی آن را صحیح دانسته است.

امروزه در روزنامه ها و مجلات و کتب، منهج سلف را زیرسوال می برند و از اهل سنت و جماعت و سلفی های حقیقی ایراد می گیرند که آنها متشدد و تکفیری و فلان و فلان هستند، اما این چیزها ضرری نمی رساند، لکن بر انسان بی صبر و بی اراده تاثیر می گذارد.

برخی از آنها میگویند سلف چه کسانی هستند؟، سلف نیز گروهی مانند دیگر گروه ها و فرقه ای مانند دیگر فرقه ها و حزبی مانند سایر احزاب بوده اند، هیچ برتری نسبت به دیگران ندارد، برخی از آنها اینگونه می گویند که سلف هیچ برتری نداشته و فرقه و گروهی مانند دیگر فرقه ها و احزاب بوده است، و هدفشان از این گفته ها این است منهج سلف را از دست ما بگیرند.

برخی از آنها می گویند که ما مکلف نیستیم به فقه و علم سلف پایبند باشیم و راه را برای خودمان سخت کنیم، بلکه احکام را از اول استنباط می کنیم و فقه جدیدی برای خودمان به وجود می آوریم، فقه سلف قدیمی است و برای این دوره مناسب نیست و برای دوره ی خودش مناسب بوده است و دوره ی ما دوره ی دیگری است جایگاه فقه سلف را پایین می آورند و به فقه جدید دعوت می دهند.

این موضوع در روزنامه ها و مجلات به کثرت توسط نویسندگان و افراد گمراه ذکر می شود. آنها می خواهند منهج سلف را از دست ما بگیرند، چون هنگامی که مذهب سلف را شناسیم و به آن اهمیت ندهیم و آن را مدارس نکنیم، آنگاه انتساب به سلف بدون علم و آگاهی نسبت به مذهب سلف کافی نیست. آنچه که از ما می خواهند همین است، می خواهند ما مذهب سلف و فقه سلف و علم سلف را ترک کنیم و - چنان که ادعا می کنند- فقه جدیدی به وجود بیاوریم که برای این دوره مناسب باشد، در حالی که این ادعا دروغ است و شریعت اسلام تا روز قیامت برای هر زمان و مکانی مناسب است.

پس منهج سلف برای هر زمان و مکانی مناسب است و نوری از سوی الله عز و جل است. کلام این افراد گمراه سبب نشود از منهج سلف دور شوی. امام مالک رحمه الله می فرماید: [آخر این امت را اصلاح نمی کند مگر آنچه که ابتدای این امت را اصلاح کرد]. آنچه که ابتدای این امت را اصلاح کرد چه بود؟ کتاب و سنت و پیروی از پیامبر صلی الله علیه و سلم بود. عمل کردن به قرآن و عمل کردن به سنت سببی بود که ابتدای این امت را اصلاح کرد، پس آخر این امت را اصلاح نمی کند مگر آن چیزی که اول این امت را اصلاح کرد. پس هر کسی که خواهان نجات است بر او لازم است که مذهب سلف را بشناسد و به آن چنگ بزند و به سوی آن دعوت کند این راه نجات است،

کشتی نوح علیه السلام است که هر کس بر آن سوار شد نجات یافته و هر کس آن را ترک کند هلاک شده و در گمراهی غرق می شود.

پس راه نجاتی برای ما نیست مگر با مذهب سلف، و ممکن نیست مذهب سلف را بشناسیم مگر با یادگیری، تدریس، و آموختن آن و همزمان از الله تعالی بخواهیم { **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ** } { **ما را به راه راست هدایت کن *** راه کسانی که بر آنان نعمت دادی }، و به سوی الله تعالی دعا کنیم که ما را بر آن موفق داشته و بر آن ثابت قدم بدارد، این ضروری است.

مسئله فقط ادعا نیست، و تا زمانی که برای ادعا دلیلی آورده نشود ادعا کننده فقط یک مدعی است، موضوع فقط انتساب نیست، الله جل و علا می فرماید: { **وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ** } { **و کسانی که به احسان از آنها پیروی کردند** } به احسان یعنی با نیکی و شایستگی، و مذهب سلف را به درستی در نمی یابی مگر زمانی که آن را بشناسی و یادگیری و بر آن چنگ نخواهی زد مگر زمانی که بر آن صبر کنی و به ادعاهای گمراه کننده که انسان را از راه سلف منحرف کرده و دور می کند اعتنا نکنی، راه صحیح و راه نجات همین است، { **همه شان در آتش هستند مگر یکی** }، گفته شد: آن یک گروه کدام است ای رسول الله؟، فرمودند: { **گروهی که بر آن چیزی باشد که امروز من و اصحابم بر آن هستیم** }، این منهج سلف است و راه نجات نیز همین است که به بهشت می رسد و هیچ راهی دیگری جز آن نیست، همه راه ها به جز این راه گمراهی است. { **وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ** } { **واز راههای (پراکنده) پیروی نکنید، که شما را از راه خدا دور می کند** }، این راه الله تعالی است و راه های دیگر گمراه کننده و انحرافی است، بر هر کدام از آن راه ها شیطانی است که مردم را به سوی آن فرا میخواند. پیامبر صلی الله علیه و سلم ما را از این دعوتگران گمراهی که می خواهند مردم را از منهج سلف منحرف کنند بر حذر داشته است و خبر داده که آنها { **دعوتگرانی بر درهای جهنم هستند که هر کس از آنها اطاعت کند او را داخل جهنم می اندازند** }^{۱۸}، بنابراین تحذیر از این افراد شدید است، و هر چه زمان می گذرد غربت بیشتر می شود و فتنه ها افزایش می یابند، بنابراین مسلمانان نیاز به عنایت و توجه بیشتری به منهج سلف پیدا می کنند.

^{۱۸} [دُعَاةٌ عَلَى أَبْوَابِ جَهَنَّمَ مِنْ أَجَابِهِمْ إِلَيْهَا قَدْ فُتِحَتْ فِيهَا] [دعوتگرانی بر درهای جهنم که هر کس دعوتشان را اجابت کند او را داخل آن می اندازند] متفق علیه

یکی از این گمراه کنندگان کسی است که می گوید: همه ی مردم مسلمان هستند، مسلمان هستند اما بر کدام راه؟، مسلمانانی بر راه پیامبر و اصحابش هستند؟، اگر اینچنین هستند بر سر و چشم، اما اگر مسلمانانی می باشند که در اسم مسلمان هستند اما در مسیرهایی انحرافی هستند و بر منهج فلانی و فلانی هستند، اگر اینچنین هستند پس به سوی راهی گمراه شده اند که سرانجام آن به جهنم می رسد. موضوع فقط انتساب به اسلام نیست، انتساب باید حقیقی باشد. و انتساب حقیقی ممکن نیست مگر با علم مفید و توجه به مدارس، به همین دلیل می بینی که علما به عقیده و ابواب و فصول و مسائل آن توجه دارند و در این موضوع نوشته های بلند و کوتاه نوشته اند و این کار را برای مدارس مذهب سلف و توجه و چنگ زدن به آن و رفتن بر آن مسیر انجام داده اند. پس این موضوع نیاز به توجه دارد مخصوصا با تسلط تاریکی و گمراهی، مسلمان نیاز به نوری تا به وسیله ی آن در تاریکی گمراهی ها و جهالت ها بر مسیر حق قدم بردارد.

در عصر حاضر عالم نماها که ادعای علم و شناخت دارند زیاد شده است، در حالی که وی علم را از مصادر اصلی آن و بر اساس اصول فرا نگرفته است، بلکه علم را از امثال خود یا از کتب یا از فرهنگ فرا گرفته و این سبب شیوه انسان را به خیر یا راه صحیح نمی رساند. باید یادگیری صحیح و بر منهج سلف باشد تا به منهج سلف چنگ زده شود و بر آن مسیر قدم برداشته شود، باید در مقابل آنچه که در این مسیر به تو می رسد مانند ملامت و تحقیر و غیره صبر پیشه کنی.

امروزه تحقیر و بدگویی نسبت به متمسکین منهج سلف صالح را می شنوید، می گویند: این عقب افتاده است و فلان و فلان است، این سخنان بیهوده و باطل سبب نشود که از حق دور شوی، به این منهج پاک چنگ بزن چون راه نجات است، به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: **{بر شما باد پیروی از سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده بعد از من، به آن چنگ بزنید و با دندان آن را بگیرید}** {هر کسی از شما پس از من زندگی کند اختلافات زیادی خواهد دید، بر شما باد پیروی از سنت من} در هنگام اختلاف چیزی جز تمسک به سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و سنت خلفای راشدین هدایت شده نجات بخش نیست، راه نجات و سلامت و راه بهشت همین است. باید به مذهب سلف عنایت داشته باشیم و سخن کسانی که جایگاه آن را پایین می آورند یا با اوصاف زشتی آن را وصف می کنند سبب نشود از آن دور شویم و جایگاه آن را در وجودمان پایین نیاورد، بلکه در وجودمان جایگاهش فراتر برود، چون آنها با این منهج نمی جنگند مگر بخاطر این که راه حق است و آنها خواهان گمراهی هستند.

پس ای بندگان الله! از آنها برحذر باشید و فقط به انتساب بسنده نکنید و بدون یادگیری خود را عالم نشان ندهید، علم را از علمای معروف به علم و علمایی که بر راه راست و صحیح می روند بگیرید، از این راه های انحرافی که الله تعالی ما را از آن برحذر داشته دوری کنید: { وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ } { واز راههای (پراکنده) پیروی نکنید، که شما را از راه خدا دور می کند}، از راه الله سبحانه و تعالی.

پس ما نیاز شدیدی به این داریم، خصوصا با شدت گرفتن فتنه ها در عصر حاضر و زیاد شدن دعوتگران گمراهی و افزایش وسایلی که فساد را در میان مردم منتشر می کند، وسیله های فساد در یک دقیقه به مردم در خانه ها و منزلشان مردم می رسد و به گمراهی و اباحی گری و شهوات حرام و افکار منحرف دعوت می دهند و این را روشنفکری و دید وسیع می نامند و می گویند: متحجر و متشدد نباش؛ این چیزها نباید مسلمان را از منهج و مذهب و علم سلف دور کند.

راه سلف (گذشتگان) سالم تر و آگاهانه تر و محکم تر از راه خلف (آیندگان) است، علم سلف به صورت خالص از کتاب و سنت است و علم خلف ناخالصی و اضافات زیادی دارد، اما علم سلف خالص است، و لهذا هر چه در کتب سلف به پیش می روی آن را خالص تر و کم تکلف تر می یابی. به همین دلیل ابن حجر در رساله ی خودش به نام (فضل علم السلف علی علم الخلف) می گوید: [کلام سلف کم و علمشان زیاد است و خلف کلامشان زیاد و علم شان کم است].

پس باید متوجه این موضوع باشیم، این منهج سلف است که راه نجاتی برای ما نیست جز با رفتن در آن مسیر و صبر کردن بر آن، و ابتدا این منهج را بشناسیم و یاد بگیریم، یادگیری و شناختی که به شیوه ی صحیح باشد، و نه شیوه ای که نادرست است و در آن چیزهایی به سلف نسبت داده می شود که باطل است و از مذهب سلف نیست، پس باید از این چیز برحذر باشیم.

اینها سخنان مختصری در این موضوع بود و نمی توانم به همه ی جوانب آن پردازم، لکن الله جل و علا می فرماید: { وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ } {و(پیوسته) پند (وتذکر) بده، زیرا که بی گمان (پند و) تذکر مؤمنان را سود می بخشد} ^{۱۹}، { فَذَكَرْ إِنْ نَفَعْتَ الذِّكْرَی * سَيَذَكَّرْ مَنْ یُحْشَى } { پس اگر پند مفید باشد، پندده * کسی که (از خدا) می ترسد، پند خواهد پذیرفت } ^{۲۰}.

^{۱۹} [سوره ذاریات: ۵۵]

^{۲۰} [سوره اعلی: ۹، ۱۰]

از الله عز وجل مسئلت داریم که ما و شما را برای اعمال و اقوال نیک موفق بدارد و ما و شما را بر حق و رفتن بر مسیر حق و صبر بر سختی های آن ثابت قدم بدارد.
وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله و أصحابه أجمعین.